



فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۸، پاییز ۹۷

## راهبرد سیاست خارجی ترامپ: هیبرید نوانزواگرایی - واقع‌گرایی

سعید سلیمان‌زاده،<sup>۱</sup> علی امید،<sup>۲</sup> سحر براتی<sup>۳</sup>

### چکیده

هدف این پژوهش مطالعه تغییر رویکرد سیاست خارجی آمریکا از بین‌الملل‌گرایی لیبرال در دوران اوباما به نوانزواگرایی و واقع‌گرایی در دوران ترامپ است. سؤال اصلی این است که راهبرد سیاست خارجی ترامپ چیست؟ برای پاسخ به این سؤال از چارچوب مفهومی «نظریه‌های نقش جهانی آمریکا» استفاده می‌شود. فرضیه اصلی نیز این است که راهبرد سیاست خارجی ترامپ ترکیبی از رویکردهای نوانزواگرایی و واقع‌گرایی است. در واقع، بدون بررسی دقیق این دو رویکرد نمی‌توان منطق سیاست خارجی جدید آمریکا را به صورت منسجم و صحیح درک کرد. از این جهت، چنین استدلال شده است که ترامپ از منظر گرایش سیاسی و عملکرد اقتصادی نوانزواگرایانه و در حوزه مسائل نظامی و امنیتی کاملاً واقع‌گرایانه عمل کرده است. در این مقاله، سیاست خارجی ترامپ در قالب دو راهبرد «نخست آمریکا» و «احیای مجدد آمریکا» مفصل‌بندی و تحلیل می‌شود. پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است و از منابع مکتوب و مجازی برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است.

**کلیدواژه‌ها:** سیاست خارجی آمریکا، ترامپ، نوانزواگرایی، واقع‌گرایی.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)؛ رایانامه: saeid.soleimanzadeh@yahoo.com

۲. دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان؛ رایانامه: al.omidi@gmail.com

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه یزد؛ رایانامه: barati.sahar95@gmail.com



## ۱. مقدمه

باتوجه به مطالعات بسیار زیادی که درباره سیاست خارجی دولت اواما انجام شده است، پژوهشگران درباره تسلط منطق بین الملل گرایی لیبرال بر سیاست خارجی این دولت با یکدیگر اتفاق نظر دارند، اما تعیین عنوان نوانزو اگرای و واقع گرایی در مورد رویکرد سیاست خارجی ترامپ ابتکار پژوهش حاضر است و این عنوان باتوجه به شعارها و اظهارات او در مناظرات و کارزارهای انتخابات و سیاست های اعلامی و اعمالی او پس از انتخابات انتخاب شده است. تاکنون هیچ یک از پژوهشگران سیاست خارجی به این اعتقاد نداشته است که سیاست خارجی آمریکا از یک نوع رویکرد خاص پیروی می کند و غالباً معتقد بوده اند که چندین منطق و راهبرد که کمتر باهم در تعارض اند به صورت هم زمان در سیاست خارجی آمریکا مطرح و پیگیری می شوند. این مقاله، در ادامه با تحلیل دقیق اطلاعات مربوطه استدلال می کند که رویکرد سیاست خارجی آمریکا از بین الملل گرایی لیبرال در دوران اواما به نوانزو اگرای و واقع گرایی در دوران ترامپ تغییر کرده است. این دو راهبرد یعنی نوانزو اگرای و واقع گرایی دارای اشتراکات متعددی با یکدیگر هستند و در عین حال با بین الملل گرایی لیبرال تفاوت و اختلاف دارند.

اهمیت نوشتار حاضر در این است که چنین پژوهشی در این ابعاد و با این رویکرد، برای اولین بار صورت می گیرد و تاکنون پژوهش دیگری سیاست خارجی آمریکا را به ویژه در دوره ترامپ از زاویه منطق های آن و تلفیق مؤثر آن ها با یکدیگر بررسی نکرده است. از رهگذر این پژوهش می توان به درکی متعارف از منطق سیاست خارجی جدید آمریکا دست یافت و فرصت ها و چالش های آن را ارزیابی کرد. همچنین از آنجا که مقوله برجام و دستاوردهای آن، در حال حاضر، به یکی از مهم ترین دغدغه های جمهوری اسلامی تبدیل شده است، مطالعه راهبرد سیاست خارجی ترامپ می تواند به برخی نیازها و دغدغه های عمیق اقتصادی، سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران نیز پاسخ دهد.

دیدگاه های صریح و تند ترامپ در کارزارهای انتخابات و پس از آن انتقاد بسیاری از رهبران جهان حتی متحدان سیاسی و شرکای اقتصادی آمریکا را برانگیخته است. همچنین، اغلب رسانه ها و تحلیلگران داخلی و خارجی او را به تناقض گوئی و پیش بینی ناپذیری متهم کرده اند و از او به عنوان «پدیده ترامپ» نام می برند. این مقاله با مطالعه دقیق اظهارات و موضع گیری های ترامپ استدلال می کند که رویکرد سیاست خارجی او تلفیقی از واقع گرایی و نوانزو اگرای است و بدون بررسی دقیق این دو رویکرد نمی توان منطق سیاست خارجی آمریکا در دوران ترامپ را به شکل منسجم و صحیح درک کرد.

سازماندهی پژوهش به این صورت است که ابتدا چارچوب مفهومی مقاله به اختصار توضیح داده می شود که شامل منطق نوانزو اگرای و واقع گرایی و سپس سیر تحول در سیاست خارجی



آمریکا از دوران اوباما تا ترامپ است. در قسمت بعد، رویکرد سیاست خارجی ترامپ در عمل و براساس دو راهبرد «نخست آمریکا»<sup>۴</sup> و «احیای مجدد آمریکا»<sup>۵</sup> تجزیه و تحلیل می شود و در پایان نیز نتیجه پژوهش و روندهای آینده ارائه می شود.

## ۲. چارچوب مفهومی

یکی از نظریات جامع در تحلیل سیاست خارجی آمریکا «نظریه های نقش جهانی آمریکا»<sup>۶</sup> است که توسط پاتریک کالاهان<sup>۷</sup> مطرح شده است. کالاهان در این نظریه با طرح مفاهیم محوری همچون نوع نگاه دولت های مختلف آمریکا نسبت به سطح درگیر شدن در امور بین الملل، گستره جغرافیایی، چندجانبه گرایی و یک جانبه گرایی، جهانی شدن، قدرت، منافع ملی، نقش رهبری، نظامی گرایی، مداخله گرایی و تعهدات اخلاقی به معرفی منطق های سیاست خارجی آمریکا<sup>۸</sup> می پردازد که عبارت اند از: برتری جویی، واقع گرایی، انزواگرایی، لیبرالیسم، بین الملل گرایی لیبرال و ضدامیرالیسم افراطی. هریک از این منطق های شش گانه تصور نقش جهانی و مناسب برای ایالات متحده یا راهبرد سیاست خارجی این کشور در عرصه بین الملل است (کالاهان، ۱۳۸۷: ۱۸). به این ترتیب منطق ها، تفسیری از بایسته های راهبرد سیاست خارجی آمریکا ارائه می دهند و متناسب با گفتمان سیاست خارجی هر رئیس جمهور متحول می شوند. با توجه به فرضیه مقاله حاضر، دو منطق انزواگرایی<sup>۹</sup> و واقع گرایی<sup>۱۰</sup> اساس جهت گیری های سیاست خارجی دولت ترامپ را تشکیل می دهند.

در کلی ترین تعبیر، اصطلاح «انزواطلبی» به معنی پرهیز از درگیر شدن در امور بین المللی است (گریفیتس، ۱۳۹۰: ۱۳۰). «منطق انزواگرایی معتقد است که ایالات متحده باید از تعهدات در دسرساز بیرونی پرهیز کند تا به اقتصاد، جامعه و نظام حکومتی اش در داخل آسیب نرسد» (کالاهان، ۱۳۸۷: ۱۸). انزواگرایی و یک جانبه گرایی یکسان نیستند اما رابطه تنگاتنگی با یکدیگر دارند (بوزان، ۱۳۹۰: ۱۹۹). در واقع ارتباط عمیق انزواگرایی و یک جانبه گرایی در این است که هر دو تا اندازه ای به «محاسبات ابزاری درباره منافع و امنیت ملی» مربوط می شوند (بوزان، ۱۳۹۰: ۲۰۲). از نظر بوزان، «قدرت های بزرگ کمتر به چندجانبه گرایی تمایل دارند زیرا آن ها چیزهای بیشتری برای ازدست دادن دارند (از جمله اینکه آزادی عمل آن ها محدود می شود یا مجبور

4. America First
5. Make America Great Again
6. Theories of America's World Role
7. Patrick Callahan
8. Logics of American Foreign Policy
9. Isolationism
10. Realism



می‌شوند از سوءاستفاده‌کنندگان حمایت کنند - سواری مجانی) و در مقابل چیزهای کمی برای به‌دست آوردن دارند (زیرا غالباً به‌تنهایی می‌توانند به پیشرفت خود ادامه دهند)» (۱۳۹۰: ۲۰۸). به‌طور کلی این منطق سعی می‌کند نشان دهد که تعهدات سیاست خارجی آمریکا غیر ضروری است و خطرات و هزینه‌های زیادی به‌دنبال دارد و دولت آمریکا در امور بین‌المللی باید به‌صورت گزینشی عمل کند (کالاها، ۱۳۸۷: ۱۰۵). از این جهت، معمولاً انزواگرایی به‌درستی درک نمی‌شود و اشتباهاً به‌معنای قطع هرگونه ارتباط با خارج تلقی می‌شود. قطع رابطه کامل با جهان، حتی اگر ممکن باشد، نمی‌تواند منافع موردنظر را تأمین کند (کالاها، ۱۳۸۷: ۱۰۵). به‌این ترتیب انزواگرایی هرگز به معنای انفعال نیست، بلکه در این رویکرد توجه بیشتری به داخل می‌شود تا خارج.

متناسب با منطق واقع‌گرایی، امنیت ملی عالی‌ترین و مهم‌ترین ارزش ملی است که تحت هر شرایطی باید حفظ شود. منطق واقع‌گرایی به‌دنبال این است که ایالات متحده قدرت و به‌ویژه قدرت نظامی‌اش را برای حمایت از امنیت ملی در ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل حفظ و تقویت کند. «آمریکا باید موازنه قدرت را حفظ کند، اما در عین حال باید از تمام نقش‌های دیگر پرهیز نماید به‌ویژه نقش‌هایی که قدرت‌ش را در پیگیری اهداف بی‌نتیجه تحلیل می‌برد؛ اهدافی که ناشی از ایدئولوژی، اصول اخلاقی و متأثر از برداشت اغراق‌آمیز از توان این کشور است» (کالاها، ۱۳۸۷: ۹۸). به‌این ترتیب، ایالات متحده برای حفظ منافع ملی و حیاتی خود قدرت کافی دارد، اما نباید مسئولیت‌های موردنظر منطق برتری‌جویی<sup>۱۱</sup> یا امپراتوری را بپذیرد و برای آن‌ها تلاش کند (کالاها، ۱۳۸۷: ۷۶). رویکرد واقع‌گرایی در عرصه سیاست خارجی آمریکا معطوف به توزیع قدرت در نظام بین‌الملل است. از این جهت، واقع‌گرایان همواره پیگیری سیاست موازنه قدرت را به دولت آمریکا پیشنهاد می‌کنند. به اعتقاد آن‌ها اگر ایالات متحده می‌خواهد امنیت خود را تضمین کند، صرفاً باید به موازنه قدرت با سایر قدرت‌های بزرگ بپردازد. علاوه بر قدرت‌های بزرگ، می‌بایست بر تحولات مربوط به قدرت‌های منطقه‌ای نیز احاطه داشته باشد و قدرت‌های متخاصم در مناطق مهم و راهبردی را نیز متوازن سازد (Rosato and Schuessler, 2011: 803). قدرت نظامی، اساس قدرت ملی است و آمریکا باید با تقویت و توسعه توان نظامی خود چه به‌صورت یک‌جانبه و چه از طریق تشکیل اتحادهای نظامی تلاش کند از حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی خود در برابر تهدیدها و تهاجم نظامی محافظت نماید.



### ۳. تغییر در سیاست خارجی آمریکا از اوپاما تا ترامپ

سیاست خارجی دولت باراک اوپاما همواره از منطق «بین‌الملل‌گرایی لیبرال» تبعیت می‌کرد (Renshon, 2012: 15). بین‌الملل‌گرایان موافق اولویت دادن به اهداف بین‌المللی به جای اهداف ملی، تمرکز بر سراسر جهان به جای کشورها و مناطق خاص جغرافیایی، چندجانبه‌گرایی به جای یک‌جانبه‌گرایی، ایفای نقش رهبری مشروع و مشارکتی به جای رهبری ضعیف و یک‌جانبه و از طرف دیگر، موافق درگیر شدن در امور بین‌الملل، مخالف نسبی نظامی‌گرایی و مداخله‌گرایی، طرفدار سرسخت جهانی شدن (اقتصاد) و پایبند به تعهدات اخلاقی هستند. اوپاما با اتخاذ رویکرد بین‌الملل‌گرایی لیبرال به دنبال بهبود و جهت‌ایالات متحده و تبدیل آن به یک هژمون چندجانبه‌گرا در مقایسه با زمان حکومت جورج بوش بود که آمریکا یک نقش امپراتور مآبانه را ایفا می‌کرد (David and Grondin, 2016: 222). تنها یک سال پس از پیروزی در انتخابات، باراک اوپاما به دلیل تقویت دیپلماسی بین‌المللی و گسترش همکاری‌های جهانی موفق به دریافت جایزه صلح نوبل شد (Nobelprize.org: 2009). او نیروهای نظامی ایالات متحده را در سال ۲۰۱۱ از عراق و در سال ۲۰۱۳ از افغانستان خارج کرد. با همین جهت‌گیری، رویکرد چرخش به آسیای شرقی<sup>۱۲</sup> را اتخاذ کرد و به جای تقابل با قدرت در حال ظهور چین، ضمن تلاش برای مهار این کشور، الگوی تعامل با آن را پیگیری کرد و زمینه ادغام هرچه بیشتر چین در ساختار نظام بین‌الملل را فراهم آورد (Micallef, 2016: 44). در خصوص جمهوری اسلامی ایران، با انتخاب یک مشی چندجانبه‌گرایانه و مشارکت‌جویانه، شدیدترین و جامع‌ترین تحریم‌های بین‌المللی را علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران وضع کرد و سرانجام به با قدرت رسیدن دولت تعامل‌گرای روحانی در ایران، با همان رویکرد چندجانبه و بین‌المللی، زمینه تحقق برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) را فراهم کرد (Prifti, 2017: 168).

موفقیت بعدی سیاست خارجی دولت اوپاما از سرگیری روابط ایالات متحده با کوبا، پس از دهه‌ها خصومت و دشمنی میان واشنگتن و هاوانا بود. پس از نیم قرن دشمنی میان دو کشور، با ملاقات تاریخی اوپاما و کاسترو سفارتخانه‌ها در واشنگتن و هاوانا بازگشایی و روابط متقابل مجدداً آغاز شد (Kassab and Rosen, 2016: 31). دولت اوپاما در حوزه امنیت زیست‌محیطی تلاش گسترده‌ای برای مبارزه با تغییرات اقلیمی و آب‌وهوایی انجام داد، مثلاً به معاهده تغییرات اقلیمی پاریس پیوست و از حامیان جدی آن شد (Ashbee and Dumbrell, 2017: 277). در حوزه اقتصادی نیز قراردادهای متعددی با متحدان و شرکای اقتصادی آمریکا به امضا رساند، برای نمونه، از پیمان ترانس‌پاسفیک<sup>۱۳</sup> پشتیبانی کرد که به عنوان «بزرگ‌ترین توافقنامه تجاری

12. Pivot to East Asia

13. Trans - Pacific Partnership (TPP)



منطقه‌ای در تاریخ» (Granville, 2017) شناخته می‌شود. آنچه به اختصار توضیح داده شد ترسیم سیاست خارجی او با ما بر اساس منطق بین‌الملل‌گرایی لیبرال بود.

سؤال‌اتی که همواره در دوران ریاست جمهوری او با ما پرسیده می‌شد این بود که آیا مردم آمریکا هزینه‌های قابل توجه حل مشکلات بین‌المللی را خواهند پذیرفت؟ آیا مردم آمریکا که تاکنون کشور خود را تنها ابرقدرت و رهبر جهان می‌دانستند در درازمدت، تنزل این موقعیت را به دلیل رهبری مشروع، مشارکتی و مماشات‌جویانه او با ما قبول خواهند کرد؟ دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ م با مهارت تمام این دو سؤال را برای مردم آمریکا برجسته ساخت و با دو رویکرد به ظاهر متناقض (انزواگرایانه و واقع‌گرایانه) اما در واقع همسو به آن‌ها پاسخ داد. شعار «نخست آمریکا» در پاسخ به سؤال اول مطرح شد که به وضوح انزواگرایی ترامپ را نشان می‌داد و شعار «احیای مجدد آمریکا» نیز پاسخ به سؤال دوم و مؤید اتخاذ رویکردهای واقع‌گرایانه بود.

#### ۴. راهبرد سیاست خارجی ترامپ در عمل

سیاست خارجی ترامپ را در حوزه عمل می‌توان در قالب دو راهبرد «نخست آمریکا» و «احیای مجدد آمریکا» مفصل‌بندی کرد.

##### ۴.۱. راهبرد نخست آمریکا

این راهبرد نشان‌دهنده مشی یک‌جانبه‌گرایی و انزواگرایی در سیاست خارجی ترامپ است. انزواگرایان برخلاف بین‌الملل‌گرایان موافق اولویت‌دادن به اهداف ملی به جای اهداف بین‌المللی، تمرکز بر کشورها و مناطق خاص جغرافیایی، ایفای نقش رهبری محدود و یک‌جانبه، مخالف درگیر شدن در امور بین‌الملل، طرفدار غیرنظامی‌گرایی و غیرمداخله‌گرایی (و نه ضدنظامی‌گرایی یا ضدمداخله‌گرایی) و نهایتاً مخالف سرسخت جهانی شدن (در حوزه اقتصاد) محسوب می‌شوند. از دید آن‌ها، تعهدات خارجی هزینه‌هایی جدی در داخل به همراه دارد. همچنین، آمریکا هیچ‌کدام الزامی برای قبول تعهدات اخلاقی در خارج از کشور ندارد؛ چرا که تعهدات بین‌المللی بر وظایف دولت در داخل کشور تأثیر منفی می‌گذارند (کالاها، ۱۳۸۷: ۱۰۴). این ویژگی‌های منطق انزواطلبی به وضوح در سیاست‌های ترامپ محرز بوده است. البته با بررسی سیاست‌های اعلامی و اعمالی ترامپ می‌توان استدلال کرد که او در بهترین وضعیت پیر و انزواگرایی جدید است و نه انزواگرایی قرن نوزدهم. آمریکای قرن نوزده هنوز وارد معادلات گسترده جهانی نشده بود اما آمریکای معاصر به شدت درگیر معادلات جهانی است و پیگیری



کارویژه‌های منطق‌انزواگرایی قرن نوزده برای این کشور امکان‌پذیر نخواهد بود. نوانزواگرایی<sup>۱۴</sup> خواستار پایان یافتن یا کاهش برخی از تعهدات سیاست خارجی است اما در عین حال با تداوم برخی دیگر از آن‌ها موافق است و پذیرش برخی تعهدات جدید رانیز پیشنهاد می‌کند (Smith et al., 2016: 216). به عبارت دیگر، نوانزواگرایی نوعی بین‌الملل‌گرایی گزینشی<sup>۱۵</sup> است نه انزواگرایی مطلق<sup>۱۶</sup> (کالاها، ۱۳۸۷: ۱۲۹). همچنین نوانزواگرایی به‌عنوان یک سیاست خارجی مبتنی بر منفعت یا راهبرد خودمدار نیز شناخته می‌شود. نوانزواگرایان هرگز ادعا نمی‌کنند که ایالات متحده باید خود را از سایر کشورها جدا کند، بلکه از نظر آن‌ها، بهترین روش برای تأمین منافع ملی این است که آمریکا اول بر اهداف ملی خود متمرکز شود [نخست آمریکا]، از این رو آنچه لازم است پیگیری شود صرفاً یک مفهوم محدود از منافع ملی آمریکا است که شامل حفاظت فیزیکی از قلمرو و مردم ایالات متحده و رونق اقتصادی این کشور می‌شود (Smith et al., 2016: 216). شعار «نخست آمریکا» را می‌توان در قالب دو حوزه سیاسی و اقتصادی ارزیابی کرد:

#### ۴. ۱. ۱. حوزه سیاسی

در دولت ترامپ همکاری‌های سیاسی کاملاً گزینشی و مبتنی بر منافع ملی آمریکا خواهد بود. ترامپ معتقد است آمریکا باید حاضر باشد تعاملاتش را با هر کسی و هر کشوری که لازم باشد (صرف نظر از اینکه دارای ارزش‌های مشترک غربی - آمریکایی هستند یا نه) قطع کند (یزدان‌فام، ۱۳۹۵: ۱۵۲). او همچنین به صراحت مخالف نقش رهبری جهانی آمریکا است و به وضوح تعهدات بین‌المللی آمریکا را زیر سؤال می‌برد (Haass, 2016). ترامپ پیش‌تر طی سخنرانی خود در کنگره اظهار داشت: «وظیفه من نمایندگی دنیاست، و وظیفه من این است که نماینده ایالات متحده آمریکا باشم»<sup>۱۷</sup> (whitehouse.gov, 2017a). از نظر او، بین‌الملل‌گرایی او باماً موقعیت آمریکا را در جهان تضعیف و قدرت رقبای آن را افزایش داده است؛ آن‌ها از اصل سواری مجانی استفاده می‌کنند و در حال کاستن فاصله خود با آمریکا هستند از این رو ایفای نقش رهبری بین‌الملل‌گرایانه بیش از اینکه به نفع آمریکا باشد به نفع متحدان آن بوده است (یزدان‌فام، ۱۳۹۵: ۱۴۹). برای مثال، آمریکا هزینه‌های مداخله در خاورمیانه و تضمین امنیت انرژی را می‌پردازد اما چین به‌عنوان رقیب جدی آمریکا با کمترین هزینه از انرژی خاورمیانه برای توسعه هر چه بیشتر خود استفاده می‌کند.

14. Neo - Isolationism

15. Selective Internationalism

16. Principled Isolationism

17. "My job is not to represent the world. My job is to represent the United States of America"



دونالد ترامپ، در نخستین سخنرانی خود برای اعضای کنگره آمریکا اظهار داشت: «ما از شرکای خود در ناتو، خاورمیانه، و اقیانوس آرام، انتظار داریم نقشی مستقیم و معنی‌دار، هم در همکاری‌های نظامی و راهبردی و هم در پرداخت سهم عادلانه خود برای تأمین هزینه‌ها، برعهده بگیرند» (whitehouse.gov, 2017a). دولت ترامپ ضمن تلاش برای حفظ جایگاه برتر آمریکا در نظام بین‌الملل حاضر نیست کارویژه‌های دولت هژمون را انجام دهد و نمی‌خواهد آمریکا هزینه تأمین امنیت بین‌المللی را بپردازد. چنین رویکردی می‌تواند به مشارکت کشورهای دیگر در تأمین هزینه امنیت بین‌المللی، ایجاد خلأ قدرت و گسترش رقابت‌ها، بلوک‌بندی‌های جدید و احتمالاً بی‌نظمی و جنگ‌های تجاری و نظامی در جهان منجر شود (یزدان‌فام، ۱۳۹۵: ۱۵۵). ترامپ همچنین متناسب با راهبرد نخست آمریکا، تصمیمات و اقدامات سیاسی یک‌جانبه را پیگیری می‌کند. مثلاً، به دنبال آزمایش‌های موشکی متعدد کره شمالی در توییتر خود نوشت: «کره شمالی دنبال دردمس می‌گردد. اگر چین تصمیم بگیرد که کمک کند بسیار عالی است. در غیر این صورت ما مشکل را بدون آن‌ها حل خواهیم کرد» (Trump, 2017). او همین‌طور در تاریخ ۶ دسامبر ۲۰۱۷ م، علی‌رغم مخالفت رهبران کشورهای جهان اسلام و جامعه بین‌المللی، انتقال سفارت آمریکا از تل‌آویو به بیت‌المقدس را تأیید کرد و به این ترتیب اولین کشوری است که رسماً بیت‌المقدس (اورشلیم) را به‌عنوان پایتخت اسرائیل می‌شناسد (Holland and Lubell, 2017). با این اوصاف، یک‌جانبه‌گرایی ترامپ می‌تواند قدرت نرم آمریکا را در جهان کاهش دهد، از اعتبار این کشور نزد سایر کشورها از جمله متحدان غربی آمریکا بکاهد و به‌طور مشخص به کاهش مشروعیت ایالات متحده به‌عنوان رهبر جهان منجر گردد (Clementi et al., 2017: 402).

همچنین در دوران ترامپ، آمریکا احترامی برای مقررات و هنجارهای بین‌المللی قائل نیست و با برخورد گزینشی استانداردهایی دوگانه اتخاذ می‌کند. ترامپ بابت توجهی به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که بارها پابندی ایران به برجام را تأیید کرده بود و بابتی احترامی نسبت به شورای امنیت سازمان ملل که برجام را تصویب کرده است و در نهایت بی‌اعتنایی به مخالفت کشورهای اروپایی، روسیه و چین، در سخنرانی خود در ۱۳ اکتبر ۲۰۱۷ م در مورد راهبرد جدید خود پیرامون ایران،<sup>۱۸</sup> پایبندی تهران به برجام را تأیید نکرد (whitehouse.gov, 2017b). دیگر اینکه، او در جریان رقابت‌های انتخاباتی وعده داد که در صورت راه‌یابی به کاخ سفید از ورود مسلمانان به آمریکا جلوگیری خواهد کرد و پس از رسیدن به ریاست جمهوری، فرمان ممنوعیت سفر اتباع شش کشور مسلمان از جمله ایران، سوریه، سودان، سومالی، لیبی و یمن به آمریکا را صادر کرد (Thrush, 2017). در نتیجه اراده ترامپ برای عملی ساختن شعار «نخست





آمریکا» در هر زمینه‌ای، به این معناست که منافع آمریکا از نظم کنونی بین‌المللی، ارزش‌های لیبرال دموکراتیک و نهایتاً مشروعیت نقش آمریکا به‌عنوان رهبر جهان فراتر است و این امر انگاره‌های منفی از این کشور را تقویت خواهد کرد (Clementi et al., 2017: 402).

#### ۴. ۱. ۲. حوزه اقتصادی

پس از بحران ۲۰۰۸ م و سرعت پایین اصلاح اقتصادی، مردم آمریکا دیگر آمادگی پذیرش رویکردهای بین‌الملل‌گرایانه را در عرصه سیاست خارجی کشورشان ندارند و ترکیب نارضایتی‌ها با شکست‌های تجربه‌شده در عرصه سیاست خارجی و ناامیدی از وضعیت اقتصادی باعث پدیدار شدن انزواگرایی جدید شده است (Haass, 2016). براساس یک نظرسنجی که اخیراً مرکز تحقیقات پیو<sup>۱۹</sup> آن را انجام داده است، اکثر مردم ترجیح می‌دهند که آمریکا بیشتر به مشکلات خود پردازد و اجازه دهد سایر کشورها خود به معضلات خودشان رسیدگی کنند (Haass, 2016). انتقادهای صریح ترامپ به همین پیامدهای منفی بین‌الملل‌گرایی یکی از دلایل اصلی پیروزی او در انتخابات محسوب می‌شود. موضع راهبردی ترامپ حفظ منافع آمریکا و اجتناب از هر تهدیدی برای حفظ منافع دیگران است. ترامپ در زمره انزواگرایان اقتصادی است و در عرصه سیاست داخلی و خارجی نوعی ناسیونالیسم اقتصادی یا حمایت‌گرایی<sup>۲۰</sup> را دنبال می‌کند (Coles, 2017: 127). حمایت‌گرایی یعنی محدود کردن جریان نیروی کار، سرمایه و کالا برای تأمین اهداف اقتصادی آمریکا در داخل کشور و گرایش به ایجاد مقررات حمایتی برای حفظ صنایع و اقتصاد ملی آمریکا. ترامپ در نخستین سخنرانی خود در کنگره اظهار داشت: «آمریکایی بخرید و آمریکایی استخدام کنید»<sup>۲۱</sup> این یک اصل اساسی است (Whitehouse.gov, 2017a). انزواگرایی حمایت‌گرا یا انقباضی در مخالفت با پیوندها و تعهدات اقتصادی خارجی، تجارت آزاد و فرایند جهانی شدن عمل می‌کند. در چنین شرایطی، آمریکا می‌بایست تک‌روی کند و پیگیر منافع ملی خود باشد و این مسئله موجب نگرانی بسیاری از شرکای تجاری آمریکا شده است (Rosefielde, 2017: 33).

ریچارد هاس، رئیس شورای روابط خارجی و یکی از برجسته‌ترین مشاوران و متفکران حوزه سیاست خارجی آمریکا، در صفحه توییتر خود می‌نویسد: «سیاست خارجی ترامپ مضمون خود را پیدا کرده است و آن دکترین عقب‌نشینی<sup>۲۲</sup> است. آمریکا قراردادهای مهم بین‌المللی را یا ترک کرده است یا تهدید کرده است که از آن‌ها خارج می‌شود از جمله

19. Pew Research Center

20. Protectionism

21. "Buy American and Hire American"

22. The Withdrawal Doctrine



پیمان ترنس پاسیفیک، توافق پاریس، نفتا، برجام و یونسکو» (Haass, 2017). طبق نگرش انزواگرایان، ایالات متحده با عضویت در نفتا، سازمان ملل، سازمان تجارت جهانی، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، خودش را در شبکه‌ای گرفتار ساخته که آزادی عمل آمریکا را محدود و راه تنفس آن را مسدود کرده است (کالاها، ۱۳۸۷: ۱۲۱). در همین راستا، ترامپ شدیدترین انتقادات خود را به تعهدات و توافقات بین‌المللی ایجادشده در دولت او با ما معطوف کرده است. از نظر او، این توافقات بار منفی اقتصادی برای آمریکا ایجاد کرده‌اند. او در انتخابات ۲۰۱۶ م، ضمن انتقاد شدید از نفتا گفته بود که این پیمان تجاری به ضرر شرکت‌ها و کارگران آمریکایی است و وعده داده بود که در صورت پیروزی آن را اصلاح خواهد کرد. پس از انتخابات نیز اظهار داشت که فعلاً از توافق تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) خارج نخواهد شد، اما در صورتی که گفتگوهای آمریکا با کانادا و مکزیک در این زمینه به توافقی منصفانه برای همه طرف‌ها منجر نشود، احتمال خروج آمریکا از این پیمان همچنان وجود خواهد داشت (Swanson and Granville, 2017). همچنین، پیش‌تر درباره پیمان ترانس پاسیفیک گفته بود: «فقط تصور کنید اگر این پیمان عملاً تأیید شود چقدر شغل در صنعت خودروسازی ما از بین می‌رود. فاجعه‌بار خواهد بود! برای همین من اعلام کردم که ما از این پیمان خارج می‌شویم، پیش از آنکه اصلاً بخواند شکل بگیرد». ترامپ این وعده خود را عملیاتی کرد و در یکی از اولین اقدامات خود به‌عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده طی یک فرمان اجرایی به مشارکت آمریکا در توافقنامه تجارت آزاد ترانس پاسیفیک پایان داد (Granville, 2017).

در مسئله تغییرات ناگهانی آب‌وهوا که او با ما یکی از پیشگامان اقدامات اساسی در این زمینه و پشتیبان جدی پیمان پاریس بود، ترامپ با نشر نظریاتش در شبکه‌های اجتماعی این برنامه را به سخره گرفت و آن را یک «حقه گران‌قیمت» خواند که چینی‌ها می‌خواهند با آن، از توان رقابت تولیدات آمریکایی در بازار بکاهند. او سرانجام در تاریخ دوم ژوئن ۲۰۱۷ م اعلام کرد که آمریکا از پیمان اقلیمی پاریس خارج می‌شود چون عادلانه نیست (Liptak and Acosta, 2017). همچنین پیشتر مایک پنس معاون دونالد ترامپ در کارزار انتخابات تأکید کرده بود که ترامپ با رسیدن به کاخ سفید، برجام را پاره خواهد کرد و به آن پایبند نخواهد بود (CBS News, 2016). ترامپ نیز پس از انتخابات گفت که تعهد به توافق هسته‌ای با ایران به منافع آمریکا آسیب خواهد رساند. او نهایتاً در سخنرانی ۱۳ اکتبر ۲۰۱۷ م در مورد راهبرد جدید خود پیرامون ایران، پایبندی ایران به برجام را تأیید نکرد (whitehouse.gov, 2017b). ترامپ طی سخنرانی دیگری در نشست سران سازمان همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوسیه



(آپک) ۳۳ در ویتنام گفت که کشورش همواره منافع خود را در اولویت قرار خواهد داد و جلوی سوء استفاده‌های تجاری را خواهد گرفت (Liptak and Merica, 2017). رئیس‌جمهور آمریکا در ادامه این نشست با انتقاد از عدم توانایی سازمان تجارت جهانی<sup>۲۴</sup> در الزام کشورها به اجرای قوانین گفت: «عضویت در سازمان تجارت جهانی تنها زمانی مناسب است که تمامی کشورهای جهان به قوانین آن عمل کنند، در شرایط فعلی عضویت در این سازمان برخلاف منافع ملی آمریکا است» (Nguyen, 2017). ترامپ نوعی ملی‌گرایی را مدنظر قرار داده است که در آن منافع و اهداف ملی بر همه چیز اولویت دارد. به این ترتیب راهبرد «نخست آمریکا» در دولت ترامپ انزو و گرایانه و غالباً به حوزه‌های سیاسی و اقتصادی معطوف است، حال آنکه این وضعیت در حوزه مسائل نظامی و امنیتی کاملاً متفاوت است.

#### ۴.۲. راهبرد احیای مجدد آمریکا

به نظر می‌رسد که ترامپ حوزه نظامی و امنیتی را عرصه‌ای بسیار مهم برای نمایش قدرت و احیای مجدد عظمت و اقتدار آمریکا می‌داند؛ از این رو، برخلاف حوزه‌های سیاسی و اقتصادی در زمینه مسائل نظامی - امنیتی واقع‌گرایانه عمل می‌کند. او به رغم شعارهای تند خود علیه ناتو و ایجاد تردید در پیمان‌ها و معاهدات امنیتی و نظامی دو جانبه آمریکا با متحدان خود در شرق آسیا و منطقه خاورمیانه، در این حوزه هیچ‌گونه انزواطلبی‌ای نشان نداده و کاملاً واقع‌گرایانه عمل کرده است.

«به نظر بسیاری از کارشناسان، کابینه ترامپ تندروترین کابینه آمریکا دست کم در دو دهه اخیر است و جنگ طلب‌ترین و افراطی‌ترین افراد حزب جمهوری خواه در آن جمع شده‌اند. در این جمع، اکثریت با ژنرال‌هاست و در پس‌زمینه ذهنی اغلب آن‌ها در مورد هر مسئله‌ای گزینه نظامی نقش برجسته‌ای دارد» (یزدان‌فام، ۱۳۹۵: ۱۴۴). در چند دهه گذشته، در هیچ دولتی به اندازه دولت فعلی آمریکا، تا این حد نظامیان عالی‌رتبه مناصب کلیدی قدرت را در دست نداشته‌اند. تاکنون ژنرال مک‌مستر<sup>۲۵</sup> ریاست شورای امنیت ملی آمریکا، ژنرال جیم متیس<sup>۲۶</sup> ریاست پنتاگون و جان کلی<sup>۲۷</sup> ریاست ستاد کاخ سفید را برعهده داشته‌اند. در گذشته، این سه منصب کلیدی اغلب در اختیار غیرنظامیان بوده است. از این منظر، منطق سیاست خارجی آمریکا به واقع‌گرایی نزدیک می‌شود. منطق واقع‌گرایی بسیار نظامی‌گراست

23. Asia - Pacific Economic Cooperation (APEC)

24. World Trade Organization (WTO)

25. McMaster

26. Jim Mattis

27. John Kelly



... و قدرت نظامی و استفاده از زور را ناشی از تبعات اجتناب‌ناپذیر ماهیت سیاست‌های جهانی می‌داند (کالاها، ۱۳۸۷: ۲۳۸). تجربه رویکردهای گذشته نشان می‌دهد که امکان تلفیق منطق‌های واقع‌گرایی و انزواگرایی وجود دارد. به‌طور مثال جورج بوش در آغاز یک انزواگرا بود اما از آنجا که انزواگرایان تمایل زیادی به یک‌جانبه‌گرایی دارند، پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به طیف جنگ‌طلبان گرایش یافت و دو جنگ پرهزینه و گسترده را در افغانستان و عراق سازماندهی کرد (Cobb, 2008: 106). تأثیری که حوادث ۱۱ سپتامبر بر سیاست خارجی بوش داشت در مورد سیاست خارجی ترامپ نیز محتمل است. رویکرد ترامپ در تأمین اهداف و منافع نظامی و امنیتی آمریکا یا رویدادهای امنیتی ویژه می‌تواند به‌سرعت سیاست او را به سوی اقدامات نظامی پرهزینه سوق دهد (یزدان‌فام، ۱۳۹۵: ۱۵۲).

ترامپ در می ۲۰۱۷ م، کشورهای عربستان سعودی و اسرائیل را به‌عنوان اولین مقصد سفر خارجی خود انتخاب کرد. از مهم‌ترین اهداف این سفر که با محوریت ایران‌هراسی صورت گرفت ایجاد اتحاد در مقابل سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و ارتقای توان نظامی هم‌پیمانان آمریکا در برابر ایران بود. ترامپ طی این سفر میلیارد دلار تجهیزات پیشرفته نظامی را به عربستان فروخت. او همچنین در نوامبر ۲۰۱۷ م، طی سفری دوازده‌روزه به آسیای شرقی، ملاقات‌های دوجانبه و چندجانبه‌ای با رهبران ژاپن، کره جنوبی، چین، ویتنام و فیلیپین انجام داد که یکی از مهم‌ترین اهداف آن تقویت اراده جهانی برای غیراتمی کردن کره شمالی بود (Campbell, 2017). تاکنون ارتش‌های آمریکا، ژاپن و کره جنوبی رزمایش‌های دریایی مشترکی در اقیانوس آرام و آب‌های شبه‌جزیره کره و نیز رزمایش‌هایی هوایی بر فراز این شبه‌جزیره برگزار کرده‌اند. هدف از انجام این رزمایش‌ها ارتقای بازدارندگی در برابر تهدیدات موشکی و هسته‌ای کره شمالی و همچنین تقویت بنیه دفاعی در برابر عملیات تهاجمی احتمالی این کشور علیه آمریکا و متحدان آن در شرق آسیا اعلام شده است. ترامپ در حالی از بودجه پیشنهادی خود برای سال ۲۰۱۸ رونمایی کرد که در آن، تقاضای افزایش ۱۰ درصدی بودجه دفاعی آمریکا با هدف بازسازی ارتش این کشور مطرح شده است. این افزایش تاریخی بودجه دفاعی آمریکا ناشی از توجه به نظامی‌گرایی به‌عنوان مؤلفه اصلی رویکرد واقع‌گرایی است.

به اعتقاد ترامپ «دولت او با کاهش بودجه نظامی، قدرت نظامی آمریکا را تضعیف کرده و به دلیل ناتوانی در استفاده از قدرت نظامی پیام‌های نادرستی به دولت‌های دیگر داده و آن‌ها را در قبال آمریکا جسورتر ساخته است ... آمریکا به‌تنهایی هزینه تولید کالای امنیت را می‌پردازد و دیگران در سایه آن پیشرفت کرده، به آمریکا بی‌اعتنایی می‌کنند» (یزدان‌فام، ۱۳۹۵: ۱۴۷). ترامپ به قدرت نظامی به‌عنوان یک ابزار بازدارندگی نگاه می‌کند. او همین‌طور بر اهمیت قدرت دولت تأکید ویژه‌ای دارد و از این نظر می‌توان گفت که ترامپ برآیند



جهانی شدن لیبرالیسم است. زیرا جهانی شدن لیبرالیسم پیامدهایی همچون تضعیف دولت ملی و حاکمیت را در پی داشته است. هر چند در مجموع به نظر می‌رسد ترامپ به دلیل گرایش‌های انزواگرایانه در حوزه اقتصاد، با گزینه نظامی صرفاً به دلیل هزینه‌های بالا و بدون دستاورد آن مخالف است. در واقع این «بن‌نگره اقتصادی و محاسبه سود و زیان است که تداوم این رویکرد را در سیاست خارجی جدید آمریکا توجیه‌ناپذیر می‌کند» (یزدان‌فام، ۱۳۹۵: ۱۵۱) اما مشخص نیست اگر آمریکا با تهدیدات جدی امنیتی مواجه شود یا اگر متحدان این کشور هزینه‌های مالی یک اقدام نظامی را متقبل شوند، آیا آمریکا برای یک اقدام نظامی جدی پیش قدم می‌شود یا نه؟

ترامپ در جریان سخنرانی سال ۲۰۱۶ م در مجموعه سفرهای قدردانی از رأی‌دهندگان در شهر فیت‌ویل<sup>۲۸</sup> آمریکا گفت: «دولت او نیروی نظامی را بازسازی می‌کند و در عین حال به جای سرمایه‌گذاری در جنگ‌ها، به نوسازی راه‌ها یا فرودگاه‌های کشور اقدام خواهد کرد». او گفت: «ما نمی‌خواهیم با رفتن و جنگیدن در جاهایی که نباید در آن‌ها بجنگیم، یک نیروی نظامی بی‌رمق داشته باشیم» (Holland, 2016). او با ما می‌خواست آمریکا آن قدر قدرتمند باشد که بتواند به امور و مناسبات جهانی شکل بدهد اما به نظر می‌رسد ترامپ آمریکایی قدرتمند می‌خواهد تا بتواند در فضایی ترس‌آلود و بی‌ثبات، کالای امنیت را به دیگران بفروشد (یزدان‌فام، ۱۳۹۵: ۱۵۳). ترامپ از طریق دشمن‌هراسی، کشورهای شرق آسیا را از کره شمالی و دولت‌های خاورمیانه را از ایران می‌ترساند و از سوی دیگر برای رفع نگرانی دولت‌های نامبرده، اجازه خرید و دستیابی به جنگ‌افزارهای پیچیده ایالات متحده را برای آن‌ها فراهم می‌کند و به این ترتیب کالای امنیت را به دیگران می‌فروشد.

او همچنین به دلیل گرایش‌های انزواگرایانه در حوزه سیاست، در کارزار انتخابات ۲۰۱۶ م، به مداخلات نابه‌جا و اشتباه هیلاری کلینتون حمله کرد و در توییتر خود نوشت: «مداخله نظامی نادرست کلینتون در سوریه، عراق و لیبی داعش را به وجود آورده است. او بی‌مبالات و خطرناک است» (O'Toole, 2016). ترامپ ضمن اشاره به عراق و لیبی، فقدان قدرت مرکزی را دلیل ایجاد وضعیت بدتر در این کشورها معرفی کرده بود. او معتقد است مداخلات آمریکا در افغانستان و عراق به نفع جمهوری اسلامی بوده و فضا را در اختیار ایران قرار داده است.

در مجموع، انزواگرایان معتقدند که هزینه‌های فرصت<sup>۲۹</sup> مداخله بسیار زیاد است و هزینه‌های سنگینی به اقتصاد آمریکا تحمیل می‌کند. در همین زمینه، ترامپ طی کنفرانسی خبری اعلام کرد که تمایل ندارد ایالات متحده را وارد درگیری‌های مسلحانه در لیبی کند: «من معتقد

28. Fayetteville

29. Opportunity Costs



نیستیم که ما باید نقشی در لیبی داشته باشیم بلکه بر این باورم که آمریکا در حال حاضر به قدر کافی در مکان‌های مختلف جهان نقش‌هایی را ایفا می‌کند» (Conway, 2017). از سوی دیگر، واقع‌گرایان در شرایط وجود یک تهدید جدی علیه امنیت ایالات متحده مداخله‌گرایی گزینشی را تجویز می‌کنند. در هر صورت با وجود کشمکش میان دو رویکرد انزواگرایانه و واقع‌گرایانه در گروه مشاوران سیاست خارجی ترامپ، به نظر می‌رسد که حوزه نظامی - امنیتی عرصه مناسبی برای پیگیری راهبرد «احیای مجدد آمریکا» است. «افزایش بودجه نظامی آمریکا به دولت ترامپ این امکان را می‌دهد که هم اول بودن آمریکا در جهان را تضمین کند و هم امنیت تولیدشده را به دیگران بفرشد و با اعمال قدرت، اعتبار از دست‌رفته خود را دوباره بازسازی کند و به دیگران نشان دهد که نادیده گرفتن آمریکا چه عواقب وخیمی در پی دارد» (یزدان‌فام، ۱۳۹۵: ۱۵۰). از دیدگاه واقع‌گرایان، دولت قوی برای تحمیل اراده خود صرفاً مجبور به جنگ نیست، بلکه می‌تواند با ترساندن دیگران آن‌ها را به پذیرش امیال خود وادار کند.

## ۵. نتیجه

منطق‌های انزواگرایی و واقع‌گرایی در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جدید آمریکا از سایر منطق‌های دیگر برجسته‌تر هستند و بین هر دو منطق و اولویت‌های سیاسی آن‌ها نیز نوعی هماهنگی وجود دارد. رویکرد انزواگرایی می‌تواند پیامدهای ناگوار بسیاری برای آمریکا به همراه داشته باشد. عقب‌نشینی آمریکا از ایفای نقش یک رهبر جهانی و قدرتمند می‌تواند جایگاه هژمونیک این کشور را در نظام بین‌الملل متزلزل و حتی موقعیت ابرقدرتی را از آن سلب کند. برای مثال، نتیجه عقب‌نشینی آمریکا از خاورمیانه می‌تواند تضعیف محور اسرائیل - عربستان و تحکیم جایگاه ایران و روسیه در منطقه را در پی داشته باشد. همچنین دولت‌هایی که تاکنون تضمین‌های امنیتی قدرتمندی از سوی آمریکا دریافت می‌کردند، به دلیل برداشته شدن چتر امنیتی آمریکا ممکن است به منظور برخوردار شدن از خود کفایی در شرایط آنارشیک، اشاعه تسلیحات هسته‌ای و کشتار جمعی را دنبال کنند. این نتیجه در آسیا و آسیای شرقی می‌تواند به مراتب وخیم‌تر باشد، چین به هژمونی منطقه‌ای خواهد رسید و احتمال درگیری میان کره شمالی و جنوبی نیز افزایش می‌یابد. در حوزه‌هایی که دعوی سرزمینی وجود دارد، جنگ و تنازع افزایش می‌یابد و ترس و نگرانی اروپا از روسیه قدرتمند تنش‌های موجود را گسترده‌تر خواهد کرد. به این ترتیب آشوب و تهدیدات در عرصه سیاست بین‌الملل به شدت گسترش می‌یابد و ایالات متحده خود بیشترین آسیب را از سیاست‌های انزواگرایانه متقبل می‌شود.

از این جهت، بانگ‌های واقع‌بینانه می‌توان استدلال کرد که ترامپ نمی‌تواند در اصل تعهدات



جهانی آمریکا تردید کند و آن‌ها را نادیده بگیرد اما می‌تواند با گسترش بیش از اندازه تعهدات خارجی این کشور مخالفت کند. به این ترتیب، سیاست خارجی ترامپ را می‌توان نوانزوگرایانه دانست و نه مبتنی بر انزوگرایی مطلق. نوانزوگرایی یک سیاست خارجی منفعت‌محور یا نوعی راهبرد خودمدار است و از قابلیت بالایی برای تطبیق با واقع‌گرایی برخوردار است. به نظر می‌رسد تلفیق رویکرد نوانزوگرایانه و واقع‌گرایانه ترامپ کاملاً هدفمند و به مراتب کارآمدتر از سایر منطق‌های سیاست خارجی آمریکاست. از یک سو نوانزوگرایی با پیگیری نوعی دیپلماسی غیرتعهدآور در عرصه سیاست خارجی، آمریکا را از زنجیر سازمان‌ها، معاهدات و پیمان‌های بین‌المللی در دسرساز می‌رهاند و حاکمیت آمریکا را اعاده می‌کند و از سوی دیگر واقع‌گرایی آزادی عمل بیشتری برای اقدام در هر شرایط حساس و تهدیدآمیز برای ایالات متحده فراهم می‌کند. آنچه باعث شده است که ترامپ به عنوان یک پدیده غیرقابل پیش‌بینی معرفی شود، نوسان او بین رویکردهای انزوگرایانه و واقع‌گرایانه در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جدید آمریکا بوده است و تنها با در نظر گرفتن هیبرید نوانزوگرایی - واقع‌گرایی است که می‌توان به درک نسبتاً جامعی از منطق سیاست خارجی ترامپ دست یافت. سیاست خارجی جدید آمریکا، خروجی و برآیند تقابل و تعامل انزوگرایان و واقع‌گرایان در گروه مشاوران او به عنوان نیروهای نسبتاً متعارض اما غالباً همسو با یکدیگر است. از آنجا که رویکرد ترامپ به محاسبات ابزاری درباره منافع ملی و امنیت ملی آمریکا مربوط می‌شود، دولت او در اغلب موارد ابتدا هزینه‌های سیاست خارجی بین‌الملل گرایانه (تعهدآور) و سیاست‌های انزوگرایانه را ارزیابی می‌کند و سپس به طراحی نوعی سیاست خارجی مبادرت می‌کند که در خدمت منافع ملی و حیاتی آمریکا باشد. سیاست‌های نوانزوگرایانه و واقع‌گرایانه ترامپ ممکن است دیپلماسی عمومی، قدرت نرم و وجهه آمریکا را خدشه‌دار کند اما در مقابل قدرت سخت، آمادگی نظامی، سرعت و شدت عمل در واکنش به انواع تهدیدات امنیتی را افزایش می‌دهد.

### کتابنامه

بوزان، بری. ۱۳۹۰. ایالات متحده و قدرت‌های بزرگ: سیاست‌های جهانی در قرن بیست و یکم. ترجمه عبدالمجید حیدری. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.  
کالاها، پاتریک. ۱۳۸۷. منطق سیاست خارجی آمریکا: نظریه‌های نقش جهانی آمریکا. ترجمه داوود غریب‌زندی، محمود یزدان‌فام، نادر پورآخوندی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.  
گریفتس، مارتین. ۱۳۹۰. دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان. ترجمه علیرضا طبیب. تهران: نشر نی.  
یزدان‌فام، محمود. ۱۳۹۵. «سیاست خارجی ترامپ و جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه مطالعات



- Ashbee, E. and Dumbrell, J. 2017. *The Obama Presidency and the Politics of Change (Studies of the Americas)*. 1st ed. Cham, Switzerland: Palgrave Macmillan.
- Campbell, C. 2017. "Everything You Need to Know about President Trump's Grueling Asia Tour". *Time*. Available at: <http://time.com/5006936/donald-trump-china-vietnam-philippines-korea-japan-apec-asean/> (accessed 13 December 2017).
- CBS NEWS. 2016. "Pence goes farther than trump on Iran deal, says US will rip up". Available at: <http://www.cbsnews.com/news/pence-goes-farther-than-trump-on-iran-deal-says-us-will-rip-up/> (accessed 2 December 2017).
- Clementi, M. and Dian, M. and Pisciotto, B. 2017. *US Foreign Policy in a Challenging World: Building Order on Shifting Foundations*. 1st ed. Springer.
- Cobb, J. 2008. *Resistance: The New Role of Progressive Christians*. 1st ed. Louisville: Westminster John Knox Press.
- Coles, T. 2017. *President Trump, Inc.: How Big Business and Neoliberalism Empower Populism and the Far-right*. 1st ed. Sussex: Clairview Books.
- Conway, M. 2017. "Trump: I don't see a role for the U.S. in Libya". *POLITICO*. Available at: <https://www.politico.com/story/2017/04/20/donald-trump-united-states-role-in-libya-237417> (accessed 1 December 2017).
- David, C. and Grondin, D. 2016. *Hegemony or Empire? The Redefinition of US Power under George W. Bush*. 2nd ed. New York: Routledge.
- Granville, K. 2017. "What Is TPP? Behind the Trade Deal That Died". *Nytimes.com*. Available at: <https://www.nytimes.com/interactive/2016/business/tpp-explained-what-is-trans-pacific-partnership.html> (accessed 25 October 2017).
- Haass, R. 2016. "The Isolationist Temptation". *The Wall Street Journal*. Available at: <https://www.wsj.com/articles/the-isolationist-temptation-1470411481> (accessed 1 November 2017).
- Haass R. 2017. "Trump foreign policy has found its theme: The Withdrawal Doctrine. US have left/threatening to leave TPP, Paris accord, UNESCO, NAFTA, JCPOA". *Twitter*. Available at: <https://twitter.com/RichardHaass/status/918471381511229440> (accessed 12 October 2017).
- Holland, S. 2016. "Trump lays out non-interventionist U.S. military policy". *Reuters*. Available at: <https://www.reuters.com/article/us-usa-trump-military/trump-lays-out-non-interventionist-u-s-military-policy-idUSKBN13W06L> (accessed 2 November 2017).
- Holland, S. and Lubell, M. 2017. "Trump recognizes Jerusalem as Israel's capital, reversing longtime U.S. policy". *Reuters.com*. Available at: <https://www.reuters.com/article/us-usa-trump-israel/trump-recognizes-jerusalem-as-israels-capital-reversing-longtime-u-s-policy-idUSKBN1E01PS> (accessed 6 December 2017).
- Kassab, H. and Rosen, J. 2016. *The Obama Doctrine in the Americas (Security in the Americas in the Twenty-First Century)*. Lanham, Maryland: Lexington Books.
- Liptak, K. and Acosta, J. 2017. "Trump on Paris accord: 'We're getting out'". *CNN*. Available at: <http://www.cnn.com/2017/06/01/politics/trump-paris-climate-decision/index.html> (accessed 25 October 2017).
- Liptak, K. and Merica, D. 2017. "Trump delivers 'America first' speech at APEC". *CNN*. Available at: <http://www.cnn.com/2017/11/10/politics/donald-trump-apec-vietnam-trade/index.html> (accessed 10 November 2017).





- Micallef, S. 2016. *Is Obama's 'Pivot to Asia' Enough to Maintain Us Influence in East Asia?* 1<sup>st</sup> ed. Hamburg: Anchor Academic Publishing.
- Nguyen, U. 2017. "APEC Ministers Vow to Fight Protectionism as Trump Slams WTO". *Bloomberg.com*. Available at: <https://www.bloomberg.com/news/articles/2017-11-11/apec-ministers-vow-to-fight-protectionism-as-trump-slams-wto> (accessed 2 December 2017).
- Nobelprize.org. 2009. "The Nobel Peace Prize for 2009 to President Barack Obama" Available at: [https://www.nobelprize.org/nobel\\_prizes/peace/laureates/2009/press.html](https://www.nobelprize.org/nobel_prizes/peace/laureates/2009/press.html) (accessed 24 October 2017).
- O'Toole, M. 2016. "Libya Is Obama's Biggest Regret And Hillary's Biggest Threat". *Foreign Policy*. Available at: <http://foreignpolicy.com/2016/06/03/libya-is-obamas-biggest-regret-and-hillarys-biggest-threat/> (accessed 2 November 2017).
- Prifti, B. 2017. *US Foreign Policy in the Middle East*. 1st ed. Cham, Switzerland: Palgrave Macmillan.
- Renshon, S. 2012. *Barack Obama and the Politics of Redemption*. 1st ed. New York: Routledge.
- Rosato, S. and Schuessler, J. 2011. "A Realist Foreign Policy for the United States". *Perspectives on Politics*. Vol. 9 (04). Pp. 803-819.
- Rosefelde, S. 2017. *Trump's Populist America*. 1st ed. Hackensack, NJ: World Scientific Publishing Company.
- Smith, S. and Hadfield, A. and Dunne, T. 2016. *Foreign Policy: Theories, Actors, Cases*. 3rd ed. Oxford: Oxford University Press.
- Swanson, A. and Granville, K. 2017. "What Would Happen if the U.S. Withdrew From Nafta". *Nytimes.com*. Available at: <https://www.nytimes.com/2017/10/12/business/economy/what-would-happen-if-the-us-withdrew-from-nafta.html> (accessed 31 October 2017).
- Thrush, G. 2017. "Trump's New Travel Ban Blocks Migrants from Six Nations, Sparing Iraq". *Nytimes.com*. Available at: <https://www.nytimes.com/2017/03/06/us/politics/travel-ban-muslim-trump.html> (accessed 2 December 2017).
- Trump, D. 2017. "North Korea is looking for trouble. If China decides to help, that would be great. If not, we will solve the problem without them!". *Twitter*. Available at: <https://twitter.com/realDonaldTrump/status/851767718248361986> (accessed 1 December 2017).
- Whitehouse.gov. 2017a. Remarks by President Trump in Joint Address to Congress, Available at: <https://www.whitehouse.gov/the-press-office/2017/02/28/remarks-president-trump-joint-address-congress> (accessed 1 December 2017).
- Whitehouse.gov. 2017b. President Donald J. Trump's New Strategy on Iran, Available at: <https://www.whitehouse.gov/the-press-office/2017/10/13/president-donald-j-trumps-new-strategy-iran> (accessed 2 December 2017).